# *رستم در قرن بیست‌ودوم*
# کندوکاوی در شناخت ژانر و مخاطب این اثر

**سعید حسام‌پور**
استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز
**فهیمه حیدری جامع‌بزرگی** *
دکترای زبان و ادبیات فارسی، دستیار پژوهشی بخش معاونت پژوهشی دانشگاه شیراز

فصلنامهٔ علمی - پژوهشی نقد ادبی. س۱۳. ش۵۲. زمستان ۱۳۹۹ (صص ۱۱۱-۱۳۸)

## چکیده

*رستم در قرن بیست‌ودوم* نوشتهٔ صنعتی‌زاده کرمانی نخستین رمان علمی‌تخیلی ایران است. از آنجا که ژانر علمی‌تخیلی در ایران بیشتر متعلق به ادبیات کودک و نوجوان شمرده می‌شود، نگارندگان برآن شدند تا جایگاه این رمان را در ژانر مذکور مشخص کنند و مخاطب اولین متن علمی‌تخیلی ایران را بازشناسند. بدین منظور، مؤلفه‌های اصلی ژانر علمی‌تخیلی یعنی علم، تخیل، ماده‌گرایی، نُووم، پیشگویی و نوستالوژی از میان کتب و مقالات استخراج شد و با افزودن سه مؤلفهٔ دیگر، یعنی تابوشکنی، امیدبخشی و توانمندسازی که حاصل پژوهش نگارندگان است، به بررسی متن پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان داد این رمان به‌دلیل پرداختن به مباحثی همچون جست‌وجوی خوشبختی در مدرنیته، اثبات توانایی و قدرت انسان مدرن و حتی زنده کردن مردگان به‌منظور قیاس بین سنت و مدرنیته که بیشتر ذهن انسان بزرگ‌سال را هدف گرفته، در زمان انتشار متن، یعنی قرن بیستم، برای مخاطب بزرگ‌سال

* نویسندهٔ مسئول: fahimeheidary@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۴

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]
[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

نگاشته شده؛ ولی در قرن بیست‌ویکم که زندگی مخاطب نوجوان با تکنولوژی عجین است و حتی گاه به قیاس رفاه حاصل از تکنولوژی زمان خود با سنت‌های زندگی پدران خویش می‌اندیشد، برای مخاطب نوجوان نیز مناسب است. از سوی دیگر با پرداختن به وجه علمی و تخیلی اثر مشخص شد گرچه این رمان توجیه علمی مشخصی برای امر ممکن‌الوقوع ندارد و از روش علمی بهره‌مند نیست، از آنجا که تخیل خود را به یکی از دشوارترین حوزه‌های خارج از توان و قدرت بشر برده، نُوومی خلق کرده که مخاطب را به نوعی از بیگانگی و شناخت رسانده است؛ بنابراین نمی‌توان آن را از حیطهٔ علمی‌تخیلی خارج دانست.

**واژه‌های کلیدی:** نووم، بیگانگی و شناخت، علمی‌تخیلی، *رستم در قرن بیست‌ودوم*.

**۱. مقدمه**

رمان *رستم در قرن بیست‌ودوم* نوشتهٔ عبدالحسین صنعتی‌زاده کرمانی، نخستین رمان علمی‌تخیلی نوشته‌شده در ایران است که در ابتدا به‌صورت پاورقی و به‌تدریج در روزنامهٔ *شفق سرخ* منتشر شد.

این رمان داستان مخترعی به‌نام جانکاس است که ماشین احیای اموات را اختراع کرده و در نخستین امتحان خود، رستم و سپس قارون را به قرن بیست‌ودوم آورده است. او رستم را در مواجهه با زندگی پرزرق‌وبرق که محصول تکنولوژی عصر مدرن است، قرار می‌دهد و می‌خواهد دریابد که آیا رستم این زندگی را ترجیح می‌دهد یا زندگی گذشته‌اش را. سرانجام با بازگشت هر دو شخصیت به زمان خود، این رمان پایان می‌یابد.

رمان ایرانی گرچه قالبی بومی به‌شمار نمی‌آید، از مشروطه تاکنون سیر صعودی داشته و در این روند صعودی، ژانرهای گوناگونی را تجربه کرده است. در این سیر، ژانر علمی‌تخیلی در ایران چندان با اقبال مواجه نشده است؛ زیرا از یک سو برای محدودهٔ سنی کودک و نوجوان قلمداد شده و تاحدی مخاطب بزرگ‌سال خود را ازدست داده و از سوی دیگر به‌دلیل ناآگاهی نویسندگان رمان ایرانی از مباحث علمی که از ملزومات

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

اصلی این ژانر ادبی است، این نوع رمان چندان پیشرفت و اقبالی نداشته است. بنابراین این ضرورت احساس می‌شود که با پرداخت به جنبه‌های گوناگون رمان‌های علمی‌تخیلی موجود، تمهیدات به‌کاررفته در این رمان‌ها بررسی شود تا افزون‌بر مشخص شدن جایگاه واقعی این آثار در ایران، به رفع کاستی‌ها در این حوزه کمک شود. به همین دلیل، این پژوهش با پرداختن به نخستین رمان علمی‌تخیلی ایران درپی آن است تا وجوه مختلف این رمان را بررسی کند و به پاسخ پرسش‌های زیر دست یابد:

ـ *رستم در قرن بیست ودوم* رمانی برای محدودهٔ سنی بزرگ‌سال است یا کودک و نوجوان؟

ـ آیا این اثر را می‌توان رمانی علمی‌تخیلی دانست؟

ـ در این رمان، توجیهی علمی برای محتمل‌الوقوع بودن وقایع وجود دارد یا علم صرفاً ابزاری است برای ورود به عالم خیال؟

### ۱ـ۱. پیشینهٔ پژوهش

همان‌طور که گفته شد، *رستم در قرن بیست‌ودوم* نخست به‌صورت پاورقی در روزنامهٔ *شفق صبح* و سپس به‌صورت کتاب در سال ۱۳۱۳ به‌چاپ رسید. نخستین نقد بر این رمان، نوشتهٔ نیما یوشیج است که در ۲۰ اسفند ۱۳۱۴ طی نامه‌ای شخصی به صنعتی‌زاده، نگاشته است (ر.ک: طاهباز، ۱۳۷۶: ۵۷۱ـ۵۷۷). به‌عقیدهٔ صاحب‌نظران، این نقد درخشان و تأمل‌برانگیز است. نیما در این نقد به جنبه‌های داستانی و حتی تخیلی یا علمی رمان چندان کاری ندارد و جز ذکر جزئیات و وحدت موضوع، به مسئلهٔ دیگری نمی‌پردازد.

این رمان چند بار دیگر تجدید چاپ می‌شود. چاپ سوم، به سال ۱۳۱۶، دربردارندهٔ دیباچه‌ای است که محمدعلی جمال‌زاده بر این اثر نگاشته است. بعد از آن

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

در سال ۱۳۳۱، به چاپ چهارم می‌رسد و پس از یکی‌دو بار تجدید چاپ دیگر، مغفول می‌ماند تا اینکه در سال ۱۳۹۵ مهدی گنجوی و مهرناز منصوری، با ویرایش جدید، به همت انتشارات نفیر این رمان را بازنشر می‌کنند و در سال ۱۳۹۶ به چاپ دوم می‌رسانند.

در همین سال، مجلهٔ *سینما و ادبیات* در شمارهٔ ۶۵ خود، پروندهٔ ویژهٔ این شماره را به صنعتی‌زاده کرمانی اختصاص می‌دهد. در این شماره، مهدی گنجوی (۱۳۹۶) بر اهمیت صنعتی‌زاده در شکل‌گیری ژانرهای ادبی تأکید می‌کند و او را در توسعهٔ رمان تاریخی و شکل‌گیری ژانرهای علمی‌تخیلی و آرمان‌شهری در ادبیات مدرن فارسی پیشرو و اثرگذار می‌داند. او نوشته‌های صنعتی‌زاده را بینابینی می‌خواند؛ چنان‌که به‌زعم وی، *رستم در قرن بیست‌ودوم* هم تمرینی در خلق آرمان‌شهر است و هم روایت قصهٔ علمی‌تخیلی.

در مقالهٔ دیگری از این ویژه‌نامه باعنوان «پاورقی یا رمان: قانون، ترقی و ناسیونالیسم؛ بازخوانی *رستم در قرن بیست‌ودوم* در قرن بیست‌ویکم»، علی سطوتی‌قلعه (۱۳۹۶) *رستم در قرن بیست‌ودوم* را به‌دلیل خصلت ژنریک علمی‌تخیلی‌اش دریچه‌ای برای افشای تضادهای آرمان‌های مشروطه بازمی‌یابد و بر رابطهٔ قانون و ادبیات در این اثر پرتو می‌افکند. او این رمان را هجویه‌ای بر ناسیونالیسم ایرانی می‌داند.

پس از این ویژه‌نامه، تنها مقاله‌ای که در این زمینه وجود دارد، پژوهشی است باعنوان «صنعتی‌زاده کرمانی در قرن بیست‌ویکم: نقد و بررسی رمان رستم در قرن بیست‌ودوم» از محمدمهدی مقیمی‌زاده (۱۳۹۸). نویسندهٔ مقالهٔ نام‌برده تأکید کرده است که این رمان باوجود ضعف‌هایی در بخش علمی، باز رمان علمی‌تخیلی محسوب می‌شود که البته می‌توان آن را فانتزی‌علمی هم دانست. از سوی دیگر این رمان را داستانی در ستایش قدرت انسان و علم او دانسته که محصول خوش‌بینی صنعتی‌زاده به

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

پیشرفت علم و صنعت در ایران است. گفتنی است که این مقاله تاحدی نویسنده‌محور است و به تمام ویژگی‌های متنی اثر نپرداخته است.

در مقالهٔ حاضر برآنیم تا با استناد به مؤلفه‌های درون‌متنی، نتایج بررسی خود از این رمان را ارائه کنیم. از سوی دیگر پیش‌فرض مقالهٔ مقیمی‌زاده ادبیات بزرگ‌سال است؛ درحالی که در نتیجه‌گیری مقالهٔ پیشِ‌رو، ژانر رمان *رستم در قرن بیست‌ودوم* را در نسبت آن با ادبیات کودک و نوجوان مطرح و اعلام کرده‌ایم که باوجود اقبال نیافتن ژانر علمی‌تخیلی در میان مخاطب بزرگ‌سال ایرانی و ایجاد شبهه‌ای مبنی بر اینکه این ژانر متعلق به حوزهٔ کودک و نوجوان است، اولین رمان علمی‌تخیلی ایران به حوزهٔ بزرگ‌سال تعلق دارد. علاوه‌بر این، بزرگ‌ترین نُووم[1] این متن را زنده کردن مردگان و روح بخشیدن به آن‌ها دانسته‌ایم که دربردارندهٔ نوعی تابوشکنی دینی است؛ درصورتی که این نووم چندان در مقالهٔ مقیمی‌زاده تحلیل نشده است.

به‌جز این دوسه مقاله، نقد و تحلیل دیگری بر رمان *رستم در قرن بیست‌ودوم* نوشته نشده است؛ تا جایی که بسیاری از اهالی ادبیات حتی از نام چنین رمانی بی‌خبر هستند.

## ۱ـ۲. مبانی نظری

### ۱ـ۲ـ۱. علمی‌تخیلی چیست؟

در *فرهنگ انگلیسی آکسفورد*، علمی تخیلی چنین تعریف شده است: «نوعی کتاب، فیلم و غیره که مبتنی بر کشفیات علمی‌تخیلی آینده است و اغلب به سفرهای فضایی و زندگی در سایر سیارات می‌پردازد» (Oxford, 2005). مقالهٔ «علمی‌تخیلی: ادبیات ایده ها» به گفتهٔ اسحاق آسیموف ارجاع داده که علمی‌تخیلی را «شاخه‌ای از ادبیات که مربوط به تأثیر پیشرفت علمی بر انسان است»، تعریف کرده. این مقاله ژانر علمی‌تخیلی را ژانر ایده‌های دانش‌محور دانسته و بر این نکته تأکید کرده که در

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

داستان‌های علمی حتی بحث‌برانگیزترین موضوعات معاصر می‌تواند تحت پوشش فرهنگ بیگانه یا ایده‌های دور از ذهن بررسی شود (Gilks, Fleming & Allen, 2003). گویی برای داستان علمی‌تخیلی این ارزش را قائل است که می‌تواند به مسائل معاصر بپردازد؛ بنابراین تفاوت نگاه به این ژانر، از ژانری بازاری تا ژانری اثرگذار در مسائل روز متغیر است.

محمد قصاع بیش از ۹۹ تعریف از ژانر علمی‌تخیلی بیان کرده است. نخستین تعریف در سال ۱۸۳۵م در روزنامهٔ *نیویورک هرالد* به‌چاپ رسیده است که خبر از گونهٔ جدیدی از ادبیات داستانی می‌دهد که آن را «رمان علمی» می‌نامد. از این سال تا سال ۱۹۲۶م که دومین تعریف ارائه شده، تعریف دیگری دیده نشده است. تعریف دوم را هوگو گرنسبک، سردبیر مجلات علمی‌تخیلی، ارائه می‌کند که تعریف خود را به نوشته‌های ژول ورن، اچ. جی. ولز و ادگار آلن پو نسبت می‌دهد و آن را داستان‌های جذابی معرفی می‌کند که آموزنده هستند و دانش را عرضه می‌کنند. تعریف سوم متعلق به جیمز اُ بایلی است که در سال ۱۹۴۷م در کتاب مشهورش، *سفری در فضا و زمان*، به‌دست می‌دهد. از سال ۱۹۴۷ تا ۲۰۰۶م، به‌طور تقریبی هر سال چند تعریف از این ژانر بیان شده که بیشترین آن متعلق به سال ۱۹۸۲ و ۱۹۹۰م است؛ گویا در این سال‌ها بازار علمی‌تخیلی رونق بیشتری داشته است (ر.ک: قصاع، ۱۳۹۶: ۵۶۰ـ۶۸۵).

### ۱ـ۲ـ۲. مؤلفه‌های مهم ژانر علمی‌تخیلی

**۱. علم:** در این‌گونه داستان‌ها، اگر علم جایگاه مقبول و منطقی نداشته باشد و صرفاً شبه‌علمی شکل گرفته باشد که ابزاری برای ورود به عالم خیال گردد، بهتر است اثر را فانتزی بدانیم نه علمی‌تخیلی؛ زیرا «تنها زمانی که نویسنده آگاهانه به آوردن عناصر علمی در قالب داستان اهتمام می‌ورزد، به حوزهٔ ادبیات علمی‌تخیلی نزدیک می‌شویم» (فولادی‌تالاری، ۱۳۷۷: ۳۳). بنابراین علم مؤلفه‌ای است که از آن به هویت داستان

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

علمی‌تخیلی یاد کرده‌اند: «هویت داستان علمی‌خیالی وابسته به علم است و درصورت حذف علم، ساختارش ازهم می‌پاشد» (میرصادقی، ۱۳۹۲: ۱۹۵).

**۲. خیال:** خیال عنصری است که داستان را به صحنه‌های غیرواقعی، ناشناخته و شگفت‌انگیز می‌کشاند و عاملی برای دور شدن از واقعیت است (همان، ۱۰۵ــ۱۰۶)؛ بنابراین خیال در داستان علمی‌تخیلی عامل اصلی است که جنبهٔ داستانی به اثر می‌بخشد و آن را از متن مستند علمی دور می‌کند. به عبارت دیگر، اگر خیال در حیطهٔ علم وارد نشود و پرواز خیال علم را به دوردست‌های پیش‌بینی‌نشده نکشاند، با متنی علمی روبه‌رو هستیم که روایت داستان‌گونه فقط بستری برای بهتر فهمیده شدن آن خواهد بود. درواقع برسازندهٔ بخشی از جهان داستان که آن را از جهان واقع جدا می‌کند، بخش خیالی آن است، نه بخش علمی؛ یعنی حتی اگر مرکزیت روایت بر پیش‌بینی علمی باشد، بازهم علم برسازندهٔ فضای ناشناخته یا هرگز وجودنداشته نیست؛ بلکه خیال است که این فضا را می‌سازد و علم وجه ممکن‌الوقوع خود را در این فضا برمی‌سازد و بسط می‌دهد.

این نکته مسلّم است که تخیل عامل جدایی کامل این ژانر ادبی از واقعیت نیست؛ بلکه علمی‌تخیلی، برخلاف تصور عموم، گره‌خوردگی زیادی با جهان واقع دارد؛ چراکه پرواز خیال و قدرت پیش‌بینی‌کنندهٔ داستان از آنجا که ذهن انسان را متوجه آن بخش از توانایی‌های خود می‌کند که روزمرگی مانع دیده شدن آن می‌شود، عملاً در برخی مواقع آیندهٔ جهان واقع را رقم می‌زند؛ چنان‌که سفر به ماه، ابتدا در داستان اتفاق افتاد و ژول ورن در سال ۱۸۶۵م رمان علمی‌تخیلی *از زمین تا کرهٔ ماه*[۲] یا *سفر به ماه* را نوشت، سپس در جهان واقع بدان جامهٔ عمل پوشانده شد و نیل آرمسترانگ برای اولین بار در ۲۰ ژوئیهٔ ۱۹۶۹ به کرهٔ ماه گام نهاد.

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

**۳. ماده‌گرایی**: از آنجا که یکی از مؤلفه‌های اصلی مدرنیته، ماده‌گرایی و رویکـرد بـه علوم تجربی است و ژانر علمی تخیلی از مظاهر مدرنیسم است، ذکر این نکته ضـروری است:

> پیش‌فرض یک داستان علمی‌تخیلی پیش از اینکه به یک توجیه ماورای طبیعـی یـا اتفاقی نیـاز داشـته باشـد، تـوجیهی مـادی و فیزیکـی نیـاز دارد. ایـن پایـه‌ریـزی علمی‌تخیلی در امر مادی، به‌جای ماورای طبیعی یکـی از ویژگـی‌هـای کلیـدی آن است. گاهی این ماده‌گرایی از یک دیدگاه علمـی ریشـه مـی‌گیـرد (آدامـز، ۱۳۸۳: ۱۷۲).

گفتنی است که حتی اگر علم به‌معنای واقعی در این ژانر حضور نداشته باشد، بایـد ابزار مادی و سازوکار علمی که امر باورپـذیری را تقویـت کنـد، وجـود داشـته باشـد؛ چراکه «نکتهٔ مهم دربارهٔ علم در علمی‌تخیلی، صحت نیست؛ بلکه ورود به یک گفتمان خاص مادی و اغلب عقلانی است» (همان، ۱۷۴).

**۴. نُووم**: مهم‌ترین مؤلفه «نووم» است که دارکو ساوین، از بزرگ‌ترین منتقدان حوزهٔ علمی‌تخیلی، آن را مطرح و علمی‌تخیلی را چنین تعریـف کـرد: «یـک ژانـر ادبـی کـه شرایط لازم و کافی‌اش حضور و کنش متقابل بیگانـه‌سـازی و شـناخت اسـت و ابـزار رسمی اصلی‌اش چارچوبی خیال‌پردازانه به‌جای محیط تجربی نویسنده» (آدامـز، ۱۳۸۳: ۱۷۳). «بیگانه‌سازی» اصطلاحی از برشت است کـه اغلـب در نقـد زبـان انگلیسـی بـه «بیگانگی» ترجمه می‌شود و در این زمینه به آن جزئی از علمی‌تخیلی برمی‌گردد که مـا آن را متفاوت می‌خوانیم؛ همان چیزی که ما را از آشنایی و هرروزگی جدا می‌کند. اگـر متن علمی‌تخیلی به‌طور کامل مربوط به «امر غریب» بود، نمی‌توانسـتیم آن را بفهمـیم و اگر به‌طور کامل مربوط به «شناخت» بود، بیش از آنکه علمـی‌تخیلـی باشـد، علمـی یـا مستند بود. با توجه به نظر ساوین، هر دو ویژگی بایـد حضـور داشـته باشـد و همـین مشارکت در حضور است که به علمی‌تخیلی هم ارتباط با دنیای مـا را مـی‌دهـد و هـم

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

موقعیت به‌چالش کشیدن روزمرگی‌ها و چیزهایی که بدیهی تصور شده‌اند. ابزار فرمی مهم تعریف ساوین از علمی‌تخیلی، نووم است (همان، ۱۷۳).

۵. **پیشگویی و نوستالژی**: مسئلهٔ دیگر مطرح در حوزهٔ ژانر علمی‌تخیلی که در تحلیل رمان *رستم در قرن بیست‌ودوم* نیز درخور توجه است، بحث «پیشگویی و نوستالژی» است. دیدگاه غالب به علمی‌تخیلی این است که این ژانر رو به آینده دارد و عملاً به پیشگویی آینده دست می‌زند؛ ولی «حقیقت این است که اغلب متون علمی‌تخیلی بیشتر علاقه‌مند به این هستند که چیزها چطور بوده‌اند. علمی‌تخیلی ابزارهای فانتزی را به‌کار می‌گیرد تا باز نتایج دوران قدیم را بررسی کند یا آن را به نوع دیگری بیان کند» (آدامز، ۱۳۸۳: ۱۸۵ـ۱۸۶). البته نگارندگان با این نظر چندان موافق نیستند که بگویند «اغلب متون علمی‌تخیلی بیشتر علاقه‌مند به این هستند که چیزها چطور بوده‌اند»؛ بلکه خاصیت پیشگویی و حتی پیش بینی علمی‌تخیلی، این ژانر را بیشتر متوجه آینده می‌کند، نه گذشته. با این حال، داستان‌هایی هم در این ژانر وجود دارند که تخیل علمی را به گذشته می‌کشانند و «از آن‌ها با عنوان داستان‌های **جهان‌جانشین** یاد می‌کنند؛ مثلاً اگر در بحران کوبا با نصب موشک‌های روسیهٔ شوروی در کوبا جنگ اتمی صورت می‌گرفت، چه پیش می‌آمد؟» (میرصادقی، ۱۳۹۲: ۱۰۶). یا داستانی چون *رستم در قرن بیست ودوم* با رجوع به انسان گذشته درپی ایجاد بستری قیاسی است؛ ولی این بدان معنا نیست که بخواهد بداند گذشته چطور بوده است.

۶. **تابوشکنی**: داستان علمی‌تخیلی همچنین به حوزه‌های ممنوع دانش که در بستری مذهبی شکل گرفته بود، گام نهاد. اعتقاد عموم بر این بود که «دانش رو به ترقی بشر شاید بتواند به مادهٔ بی‌جان حیات بدهد؛ اما به هیچ ترتیبی نمی‌تواند در آن روح بدمد؛ زیرا آفرینش روح در قلمرو منحصربه‌فرد خداوند است» (فولادی‌تالاری، ۱۳۷۷: ۴۱). بنابراین در جوامع سنتی که سنت معادل متون مقدس است و مذهب نقش مهمی در زندگی بشر دارد، گام نهادن در مسیری که مذهب را نفی کند و به یاری علوم تجربی

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

به‌دنبال تبیینی برای پدیده‌های جهان بیرون باشد، تابوشکنی صورت می‌گیرد. ژانر علمی‌تخیلی نیز در این حوزه قدم گذاشته است. برای نمونه تابوی زنده کردن مردگان که تاکنون فقط در قدرت پیامبران بوده و بخشی از اعجاز آن‌ها محسوب می‌شده، در قرن نوزدهم و به‌واسطهٔ رمان *فرانکنشتاین* شکسته شد و یک قرن بعد از آن در ایران، رمان *رستم در قرن بیست‌ودوم* با احضار روح و بازگرداندن آن به جسم مردگانی از قرن‌ها پیش، به این حوزهٔ ممنوع پا گذاشت و با برگزیدن زبانی طنزگونه، بر این تابوشکنی دانش و صنعت سرپوش نهاد.

۷. **امیدبخشی**: طبق نکات ذکرشده، این ژانر بیش از هرچیز متوجه توانایی‌هایی نادیده گرفته‌شده و آرزوهای فروخوردهٔ بشر است؛ آرزوهایی که تجلی ناتوانایی انسان است. از این رو ژانر علمی‌تخیلی درپی مسیری است که در آن، ناتوانی به توانایی بدل شود. پس بیراه نخواهد بود اگر بگوییم این ژانر کاملاً انسانی و در خدمت رشد انسان است. نکتهٔ شایان توجه این است که فانتزی‌های خیالی و وهمی نیز به بخشی از فضاهای ناممکن برای انسان که به نوعی آرزو و خیال تبدیل شده، می‌پردازد؛ ولی در آن صرفاً پرداختی خیالی بر امر ناممکن است و حتی در سطحی بالاتر «داستان‌های خیالی وهمی واقعیت را انکار می‌کنند و از خواننده می‌خواهند که تاحدی عامدانه به خوش‌باوری و سکوت ناباوری تن دردهند» (فولادی‌تالاری، ۱۳۷۷: ۳۴). بنابراین علمی‌تخیلی نه به امر ناممکن یا حتی انکار واقعیت، بلکه به امر ممکن‌الوقوع می‌پردازد و بدین طریق، نوعی امیدبخشی در درون خود دارد؛ چراکه آرزوهای بشر را دور از دسترس و ناممکن نمی‌بیند.

۸. **توانمندسازی**: همان‌طور که گفته شد، علمی‌تخیلی با پرواز خیال به‌سمت ناشناخته‌ها، درعمل انسان را متوجه توانایی فراوان خود می‌کند؛ چراکه ژانر علمی‌تخیلی با قدم گذاشتن بر دوش منطق علمی، جهانی را می‌سازد که قانون‌هایی همچون جهان ما دارد؛ پس این تصور را برای بشر ایجاد می کند که تحقق آنچه که در

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

خیالش رخ داده، چندان دور از دسترس نیست؛ زیرا علمی‌تخیلی به او نشان می‌دهد که با جادو و خرافه روبه‌رو نیست؛ بلکه گرچه وقایع خیالی پیش‌رویش است، این وقایع برمبنای قانونی است که او تاحدی این قوانین را می‌شناسد و با امر خارق عادت تفاوت دارد.

نگارندگان تأکید می‌کنند از آنجا که ژانر علمی‌تخیلی رو به سوی تغییر جهان بیرون دارد، بشر را متوجه توانایی و قدرت او در تغییر جهان می‌کند؛ زیرا او دیگر انسان سنتی نیست که رو به درون خود و تغییر درون داشته و درپی علم‌النفس باشد؛ بلکه باید جهان بیرون را به هدف رسیدن به خواست‌های خود تغییر دهد؛ از این روست که به علوم تجربی روی می‌آورد و علوم عملی پایهٔ اصلی ژانر علمی‌تخیلی می‌گردد؛ یعنی تکنولوژی و فناوری از اصول اساسی این ژانر می‌شود تا بشر را برای تغییر جهان بیرون توانمند سازد. بنابراین علمی‌تخیلی به‌جای اینکه بشر را به سیر انفس دعوت کند تا به توانایی‌های خود واقف شود، با سیر در آفاق، توانایی‌های بشر را به او نشان می‌دهد و روح امید را به او تزریق می‌کند.

گفتنی است که این سه مؤلفهٔ نهایی، یعنی تابوشکنی، امیدبخشی و توانمندسازی، دستاورد نگارندگان این پژوهش است؛ با این تفاوت که در بحث تابوشکنی اگرچه پژوهش‌های پیشین اشاراتی کرده‌اند مبنی بر اینکه علم به حوزه‌های ممنوع گام نهاده، آن را به‌منزلهٔ مؤلفه‌ای مستقل در این ژانر ارائه نکرده‌اند و دیگر اینکه، به‌صورت تابوشکنی دینی مطرح نشده است. این تابوشکنی دینی منحصر به جوامعی است که دین در آن‌ها نقش پررنگی داشته و از آنجا که در گذر انسان از سنت به مدرنیته، دین تضعیف شده است، ژانر علمی‌تخیلی را نیز می‌توان یکی از تضعیف‌گران سنت درقبال مدرنیته دانست؛ و این همان بحثی است که در پژوهش‌های پیشین مطرح نشده است. اما دو مؤلفهٔ امیدبخشی و توانمندسازی صرفاً محصول پژوهش حاضر است و در دیگر تحقیقات بدان‌ها اشاره‌ای نشده است.

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

## ۲. بحث و بررسی

### ۲ـ۱. وجوه مختلف رمان *رستم در قرن بیست‌ودوم*

#### ۲ـ۱ـ۱. نووم

همان‌طور که در بخش مبانی پژوهش ذکر شد، نووم عامل ایجاد تفاوت متن علمی‌تخیلی از متن رئال است. هر متن ممکن است یک نووم یا چند نووم وابسته به هم داشته باشد (آدامز، ۱۳۸۳: ۱۷۲). رمان *رستم در قرن بیست‌ودوم* دارای یک نووم اصلی (زنده کردن مرده) است که البته برای ذهن انسان ایرانی به سه دلیل بیگانگی‌ای به‌شمار می‌رود که شناخت حاصل از آن برای او ایجاد لذت خواهد کرد: ۱. آرزوی ارتباط با گذشتگان که از آرزوهای اصلی تمام بشر است؛ تا جایی که در معجزات پیامبران، یکی از معجزات اصلی زنده کردن مردگان بوده است؛ ۲. فقدان توانایی علمی برای تصور امکان امری چنین ناممکن؛ ۳. مانعی به‌نام مذهب که بازگشت روح به جسم را فقط در حیطهٔ ارادهٔ خداوند قلمداد می‌کند و در آیات مختلفی، علم بشر را در این باره بسیار اندک می‌داند: وَ یسئَلُونَک عَنِ الرُّوحِ قُلِ الروحُ مِن أمر رَبّی وَ ماَ أُوتیتُم مِنَ العِلمِ إلّا قَلیلاً (اسراء/ ۸۵).[۳] بنابراین ورود به حیطه‌ای که فقط ازآنِ خداست، نوعی تابوشکنی محسوب می‌شود. از همین رو بازگرداندن روح به جسم در این داستان، نوومی است که تازگی آن علاوه‌بر اینکه حاصل کنجکاوی جمعی بشر در موضوع ارتباط با گذشتگان است، از طریق تابوشکنی مذهبی نیز بیگانگی و میل به شناخت را ایجاد می‌کند.

نکتهٔ شایان توجه این است که نووم نباید ماورای طبیعی باشد (همان، ۱۷۳). به همین دلیل است که نووم عملاً غیرممکنِ مرکزی روایت با کاربست فناوری و اختراع ابزاری به‌نام «ماشین تجسم ارواح»، از سطح ماورای طبیعی به سطح مادی وارد می‌شود تا با ایجاد سازوکار و روش علمی، این احضار توجیهی مادی داشته باشد، نه مانند افسانه‌ها یا مذاهب صرفاً با خواست خدا یا نیروی درونی فرستادهٔ خدا، این عمل

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

حادث شود. بنابراین ماشین تجسم ارواح، خود به نوومی تبدیل می‌شود که روایت‌ساز می‌گردد و تمام جنبه‌های ساختاری و محتوایی اثر برمبنای کارکرد آن شکل می‌گیرد.

دیگر نوام‌های متن که بیشتر در سطح جزئیات عمل می‌کنند، در برجسته‌سازی امر غریب نقش دارند؛ هرچند که به‌صورت کاملاً طبیعی جلوه داده شده باشند؛ مانند پرواز آدم‌ها با بال‌های ظریف در آسمان تا به یاری حقیقت‌نمایی در حوزهٔ تکنولوژی پرواز، این امید را به مردم دور از جهان صنعتی ایران بدهد که او روزی به‌راحتی پرواز خواهد کرد و به یکی از آرزوهای خود دست خواهد یافت.

نوام‌های دیگر متن وسایل ارتباط‌جمعی است؛ به‌گونه‌ای که همهٔ افراد جهان با هم می‌توانند شاهد واقعه‌ای باشند یا با یکدیگر تماس تصویری داشته باشند یا امضاهای الکترونیک که حتی در نبود فرد هم می‌تواند اعمال شود. این موارد در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم امری شگفت جلوه می‌کرده است؛ ولی برای انسان قرن بیست‌ویکم دیگر نوام محسوب نمی‌شود؛ بلکه تحقق امری است که زمانی نه‌چندان دور برای مردم عصر خود ناممکن بوده و به حوزهٔ تخیل او تعلق داشته است. به همین دلیل است که صنعتی‌زاده زمان داستان خود را دو قرن بعد از خود برمی‌گزیند؛ گویا پیش‌بینی می‌کرده که روزی چنین چیزهایی محقق شود. همین مسئله نشان می‌دهد که این رمان برای انسان ایرانی قرن بیست‌ویکم نیز امیدبخش خواهد بود؛ زیرا صنعتی‌زاده پیشاپیش به او نشان داده که آنچه زمانی برای مردم کشورش آرزو بوده، برای او هم‌اکنون تحقق آن آرزوست؛ پس آرزوهای بسیار دیگری نیز برای انسان ایرانی قرن بیست‌ویکم وجود دارد که امکان تحقق آن نه‌تنها دور از ذهن نیست، بلکه به‌زودی محقق‌شدنی است. این موضوع بر همان نکته‌ای صحه می‌گذارد که در بخش نظری بدان اشاره شد و آن نقش داشتن متن علمی‌تخیلی در آیندهٔ جهانِ واقع است.

بنابر سخنان گفته‌شده می‌توان به هوشمندی صنعتی‌زاده در خلق نوام مرکزی روایت پی برد؛ چراکه او با دیدی که به حوزهٔ صنعت داشته، چندان دور از دسترس

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

نمی‌دیده که زمانی نه‌چندان دور وسایل ارتباط‌جمعی هوشمند شکل بگیرد یا انسان در پرواز کردن چندان پیشرفت کند که به پروازهای فردی برسد؛ ولی احتمالاً به این می‌اندیشیده که زنده کردن مرده امری نیست که انسان حتی به یاری تکنولوژی بتواند بدان دست یابد. بنابراین نووم مرکزی روایت را بر احضار روح رستم و قارون پایه‌ریزی می‌کند.

در پایان بحث نووم، ذکر این نکته ضروری است که نووم اصلی و مرکزی روایت، یعنی زنده کردن مرده، در خدمت تبیین این اندیشهٔ محوری است که انسان موجودی توانمند و قادر به همه کار است. این مسئله به‌روشنی در داستان آورده شده: «مدعی‌العموم: مقصودتان از اختراع ماشین زنده نمودن اموات چه بود؟ جانکاس: مقصودم این بود که ثابت نمایم انسان قادر بر همه کار است» (صنعتی‌زاده کرمانی، ۱۳۹۶: ۸۳). بنابراین نووم *رمان رستم در قرن بیست‌ودوم* رویکردی هدفمند دارد؛ همان رویکردی که پژوهش حاضر نیز بر آن تأکید می‌کند و آن توانایی ژانر علمی‌تخیلی در توانمندسازی انسان است؛ با این تفاوت که در این رمان، بر توانمندی انسان مدرن مبتنی بر تکنولوژی تأکید شده و در این مقاله بر توانمندسازی بشر مبتنی بر امکان تحقق آرزوهایش. گویی کل این رمان در حکم پیش‌بینی پدیده‌ای بالفعل نامشهود است.

### ۲ـ۱ـ۲. علم

در این رمان، عامل شکل‌دهنده و محرک پیش‌برندهٔ وقایع اختراع است. «اختراع و اکتشاف» از نووم‌هایی است که وجه علمی این ژانر را پیش می‌برد؛ اختراع ماشینی که توانایی احضار ارواح را دارد. اهمیت این ماشین تا جایی است که شروع داستان و معرفی شخصیت با این ماشین صورت می‌گیرد: «جانکاس مخترع ماشین تجسم ارواح و اجساد مردگان، به‌اتفاق شاگردانش هرکدام بال‌های ظریف و قشنگی را به شانه‌های

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

خود بسته و بعضی‌شان چمدان‌های بلورینی به‌دست گرفته از روی آسمان می‌پریدند» (همان، ۹). وجه تکنولوژیک این رمان بیشتر در همین چند صحنهٔ آغازین آن مشاهده می‌شود؛ چون قرار است زمینهٔ علمی برای ظهور ارواح فراهم شود.

اما وجه علمی برجستهٔ اثر در سازوکار احضار ارواح؛ برای نجات اصلی‌ترین نووم متن از وجه ذهنی و ماورایی، نهفته است؛ بدین معنا که امر ناممکنی که احضار روح مردگان است، باید با منطق علمی و اختراع ماشینی که با سازوکار خاصی این عمل را انجام دهد، صورت گیرد. به همین دلیل است که وجه منطقی و تناقض‌ناپذیر علم در ماشین اختراع‌شده تجلی می‌یابد تا آن ماشین با پشتوانه‌ای علمی واسطهٔ احضار گردد.

کاربرد واژهٔ «ماشین» نیز درخور توجه است؛ گویی ماشین معادل اختراع است. در گذشته و در میان عموم مردم، به هر وسیله یا اختراع جدیدی ماشین گفته می‌شد. به همین دلیل است که در این رمان مشخص نیست وسیله‌ای که قرار است این امر خطیر را انجام دهد، چیست و چه شکلی است، بلکه فقط به آن «ماشین» گفته شده و سازوکاری برای آن چیده شده است:

> به امر جانکاس از میان چمدان‌ها آلات مختلف ظریفی را درآورده و چون آن‌ها را به یکدیگر وصل نمودند به‌صورت ماشین عجیبی درآمد. درمقابل آن ماشین ورقهٔ سفید اسرارآمیزی را بیاویخت و از سه رشته شیشهٔ لاستیکی یک رشته را به زمین فروبرده و یک رشته را در هوای آزاد نگه داشته و رشتهٔ دیگر را به دست یک نفر از شاگردانش داده، سپس مشغول میزان نمودن آن ماشین گردید (صنعتی‌زاده کرمانی، ۱۳۹۶: ۹ـ۱۰).

مسلّم است که نمی‌توان از این توصیف، روش علمی دقیقی استخراج کرد که بتوان آن را نووم اصلی متن دانست؛ بلکه بیشتر به شبه‌علمی می‌ماند که ابزاری برای ورود به تابوشکنی‌های عالم خیال است. به عبارت دیگر، سازوکار این ماشین مخاطب را به پذیرش امکان علمی برای چنین واقعه‌ای رهنمون نمی‌کند؛ بلکه ماحصل و نتیجهٔ آن که احضار روح است، به نووم تبدیل می‌گردد که البته اگر این ماشین نبود هم، می‌شد با

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

تمهیدات روایی دیگری این اتفاق بیفتد. پس روش علمی پشتوانهٔ این رویداد نیست؛ بلکه شبه‌علم است که بسترساز این متن شده است.

### ۲ـ۱ـ۳. پیشگویی یا نوستالژی

در بخش مبانی نظری اشاره شد که نظری وجود دارد مبنی بر اینکه روال اصلی علمی‌تخیلی پیشگویی نیست، بلکه نوستالژی است. در این زمینه گفته شده که علمی‌تخیلی بیش از اینکه بتواند پیشگویی کند و به آینده وابستگی داشته باشد، به گذشته دل‌بسته است و می‌خواهد بداند چیزها چطور بوده است (آدامز، ۱۳۸۳: ۱۸۶). نکتهٔ شایان توجه در بازگشت به گذشتهٔ رمان *رستم در قرن بیست‌ودوم* آن است که این رمان از نظر زمانی رو به عقب نمی‌رود؛ بلکه اتفاقاً زمان روایت به دو قرن بعد، زمان حال راوی، می‌رود و بازگشت به گذشته‌اش وجهی صرفاً نمادین برای بیان مفاهیمی در سطح اندیشگانی است؛ به همین دلیل، در رویکرد به گذشته، شخص را از زمان گذشته به زمان حال احضار می‌کند و درمقابل خود می‌نشاند. در این احضار، نه سیر زمان گذشته به حال دیده می‌شود و نه حتی صحنه‌ای از گذشته. این کنش، خود کارکردی نشانه‌ای دارد که پی‌رنگ برتری‌بخشی به انسان مدرن را تقویت می‌کند؛ چراکه انسان گذشته صرفاً با وجهی تمسخرآمیز به زمان حال آورده می‌شود و ابزار آزمایشی انسان مدرن برای رسیدن به پاسخ پرسش‌هایش می‌گردد. گویی انسان ایرانی معاصر درپی احیای گذشته نیست؛ بلکه درپی تفاخر به آینده‌ای که ساخته، به ایجاد وضعیت تقابلی انسان کهن و انسان مدرن اقدام می‌کند و با برگزیدن زبان طنز، انسان کهن را با توانایی‌ها و قدرت خود شکست می‌دهد و انسان کهن را به زمان خود می‌آورد تا حسرت او از نزیستن در فضایی چنین مدرن را با چشمان خود ببیند.

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

بنابراین در روند کلی متن، نوستالژی حضور ندارد و برعکس در جزئیات، پیشگویی دیده می‌شود. گویی قرن بیست‌ودوم پیشگویی صنعتی‌زده از پیشرفت تکنولوژی‌های هوشمند در ایران است.

### ۲ـ۱ـ۴. وجه اخلاقی‌فلسفی

یکی از وجوه رمان‌های علمی‌تخیلی سرگرمی است. رمان *رستم در قرن بیست‌ودوم* به‌دلیل تمرکز بر ایده و تم اصلی آن که ایده‌ای فلسفی و اخلاقی است، از حوزهٔ سرگرمی فاصله گرفته و به‌دنبال کسب نتیجهٔ اخلاقی است. دنبال‌کنندهٔ این نتیجه در داستان، جانکاس است؛ ولی درحقیقت دنبال‌کنندهٔ اصلی آن انسان مدرن است که درپی دستیابی به پاسخ این پرسش‌هاست: آیا تکنولوژی او را به خوشبختی رسانده است؟ آیا دربرابر انسان کهن خوشبخت‌تر است یا خیر؟ این پرسش محوری همچون پی‌رنگ مهمی وقایع داستان را به‌هم پیوند داده است:

> جانکاس گفت: معلوم نیست که آیا در ایام گذشته این اشخاص عمر خود را بهتر به انتها رسانیده و خوشبخت بوده‌اند یا ما که به همه‌چیز و همه کار قدرت و توانایی داریم. اکنون روحش را به او برمی‌گردانیم و این سؤال را از خودش خواهیم کرد (صنعتی‌زاده کرمانی، ۱۳۹۶: ۱۲).

درنهایت پایان‌بندی داستان با پاسخ به همین پرسش اصلی شکل می‌گیرد و رمانش فرجام‌محور می‌شود؛ فرجامی که پاسخی وفادارانه به پی‌رنگ داستان است: «آقای جانکاس! مردمان هر قرنی برای آن قرن خلق شده‌اند و اگر این قاعده مراعات نگردد زندگانی‌شان تلخ خواهد شد. این زندگانی تصنع‌آمیز دور از حقیقت، ارزانی خودتان باد. مرا هم به همان جایی که آمده‌ام رجعت دهید» (همان، ۱۱۰).

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

صنعتی‌زاده خود به جنبه‌های مختلف نوومی که ایجاد کرده، آگاه است و سعی می‌کند جنبه‌های اخلاقی آن و تبعاتی که چنین عملی ممکن است برای جامعهٔ بشری داشته باشد، اشاره کند و از زبان راوی دانای کل می‌گوید:

> بعضی به این اختراع خوش‌بین و بعضی این اختراع را خیانت به عالم بشریت دانسته و صریحاً می‌گفتند که صاحب این اختراع به زندگانی مردمانی که در قید حیات می‌باشند لطمهٔ عجیبی وارد ساخته است [...] به‌علاوه همین که مردم دانستند که دیگر مردنی در کار نیست طمع و آزشان صد مقابل شده و قسمی به زندگانی علاقه‌مند می‌شوند که از هیچ خیانتی روگردان نخواهند بود [...] و زندگانی بشر به مخاطرهٔ عجیبی دچار خواهد شد (همان، ۳۰).

نکتهٔ شایان توجه در این بخش آن است که گرچه نووم متن به هدف برتری مدرنیته بر سنت شکل گرفته است، وجه اخلاقی متن نشان می‌دهد که اتفاقاً برعکس این تصور اولیه، نووم کاملاً در خدمت نفی این جریان پیش رفته و به‌گونه‌ای در طرح داستان عمل کرده که انسان مدرنی که با تمام افتخار به مظاهر مدرنیته، درپی بالیدن به داشته‌های خود و دیدن حسرت انسان کهن است، ناامید می‌شود و همهٔ کوشش او به شکست منتهی می‌گردد:

> این جواب‌های یأس‌آمیز بر جانکاس بسیار گران آمد. چه او منتظر بود لااقل مردگان از اینکه آن‌ها را زنده نموده و به چنان زندگانی سراسر سرور و شادمانی رسانده قدردانی نمایند. لکن برخلاف تصور می‌دید که مردگان هم از این عالم جدید خوششان نیامده (همان، ۵۳).

### ۲ـ۱ـ۵. وجه زمانی

در ژانر علمی‌تخیلی، زمان جایگاه ویژه‌ای دارد و بارها دستخوش تخیل علمی بشر شده است؛ تا جایی که «سفر در زمان» از نووم‌های اصلی متن علمی‌تخیلی محسوب می‌شود. انسان با خلق این نووم، یا درپی رفتن به آینده و دیدن جهانی است که

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

محدودیت‌های جهان ماده این امکان را به او نمی‌دهد، یا درپی رفتن به گذشته است تا از چگونگی زیست همنوعان خود سر در بیاورد و به حقایق یا رموزی کـه در گذشـته مدفون شده، دست یابد. بنابراین متن علمی‌تخیلی درگیری فلسفی یا فیزیکی چندانی با خود مفهوم زمان ندارد؛ به عبارت دیگر، به‌دنبـال چیسـتی زمـان نیسـت؛ بلکـه زمـان، محمل او برای حرکت سیال در جهان‌هایی است که فقط تصور بشر می‌تواند بـه آن‌هـا سرک بکشد. از همین روست که اغلب داستان‌های علمی‌تخیلی برای حرکت در زمـان به‌دنبال تهیهٔ ماشینی هستند که این حرکت را برایشان آسـان کنـد و از فراینـد علمـی و طبیعی آن روی گرداند؛ چون در آن صورت، درگیر ماهیت زمـان مـی‌شـود. ولـی اگـر ماشینی او را به نقاط مورد نظرش برساند، دیگر چیستی زمـان بـرایش اهمیتـی نـدارد؛ بلکه حرکت او در زمان است که اهمیت دارد.

نکتهٔ شایان توجه در بحث ماشین زمان این است که علم امکان ساخت ماشین زمان را رد نمی‌کند؛ بلکه معتقد است:

> ماشین‌های زمان را مطابق با قوانین فیزیک کوانتومی و نسـبیت عمـومی مـی‌تـوان ساخت، به شرط اینکه جهان‌های موازی به‌واقع وجود داشته باشند. اگر جهان‌هـای موازی وجود داشته باشند، پس هم‌اکنون ماشین‌های زمان وجود دارند؛ ماشین‌هایی که از کـوره‌طبیعـی ترمونیـوکلر (حـرارت هسـته‌ای) ماننـد سـتارگان نـوترونی و سیاه‌چال‌ها که هسته‌هـای خـود را از دیـدگاه اخترفیزیکـی سـوزانده و بـه پایـان رسانده‌اند، درست شده‌اند (ولف، ۱۳۹۸: ۲۵۹).

اما ماشین زمانی که در داستان‌های علمی‌تخیلی وجود دارد، فرایندی طبیعی در فضا نیست؛ بلکه ماشین به‌معنای وسـیله‌ای اختراعـی اسـت کـه علـم و فنـاوری یـا همـان «فناعلم» باعث ساخت آن شده است؛ ماشینی که دقیقاً با پیچ و مهره کار می‌کنـد. ماننـد ماشینی که جانکاس اختراع می‌کند و با آن رستم و فرعون را در زمان حرکت مـی‌دهـد و از گذشته به حال می‌آورد.

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

درمجموع داستان‌هایی که دربارهٔ سفر در زمان نوشته شده، زیاد است؛ از *ماشین زمان* نوشتهٔ هربرت جورج ولز (۱۸۹۵) تا *پیشتازان فضا* و بسیاری نمونه‌های دیگر. اما رمانی همچون *رستم در قرن بیست‌ودوم* که نووم آن برپایهٔ نوعی سفر در زمان شکل گرفته و انسانی از گذشتهٔ دور به زمان حال آورده شده، تاحد زیادی متفاوت با این نوع رمان‌هایی است که در ژانر علمی‌تخیلی شناخته شده است. در این رمان، نه چگونگی سفر در زمان مهم است و نه اتفاقات گذشته یا آیندهٔ بشر؛ بلکه زمان صرفاً محملی برای رفتن به آینده‌ای است که هم‌اکنون زمان حال روایت واقع شده است تا بدین طریق به سؤال‌های ذهنی و فلسفی انسان قرن بیستم پاسخ داده شود و قیاسی بین سنت و مدرنیته شکل گیرد، نه اینکه داستانی پرداخته شود که طی آن، ارمغانی از آینده برای بشر آورده شود و متن در حکم دستاوری برای جهان واقع باشد یا گذشتهٔ او کندوکاو گردد.

البته زمان حال راوی با رفتن به دو قرن بعد، زمان حال روایت را می‌سازد و بدین ترتیب، نوعی پیشگویی را به متن تزریق می‌کند؛ ولی این پیشگویی در محوریت روایت نیست؛ بلکه همچون آگاهانندگان[۴] به‌منظور ملموس شدن فضای دو قرن بعد عمل کرده‌اند.

این رمان با سه سطح زمانی پیوند دارد: ۱. زمان نگارش متن که زبان متن و نگرش‌های اقتصادی دنیای متن متعلق به این زمان است. ۲. دو قرن بعد از زمان نگارش متن که زمان اصلی داستان است؛ یعنی زمانی که وقایع در آن جریان دارد. ۳. زمان گذشته که زیست‌جهان دو انسان حاضرشده در داستان است؛ ولی تنها یک لایهٔ زمانی روایی دیده می‌شود و متن از ابتدا تا انتها در سطح دوم، یعنی قرن بیست‌ودوم، می‌گذرد؛ بدین معنا که زمان روایت با پس‌نگاه یا پیش‌نگاه به گذشته و آینده نمی‌رود؛ بلکه این خود متن است که به‌طور کلی به آینده می‌رود و از آنجا درحال روایتگری است. یا حتی زمان ظهور رستم و قارون که می‌توانست بستر مناسبی

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

برای نشان دادن آن‌ها در گذشته سپس احضارشان به حال باشد تا وجه قیاسی‌ای که راوی به‌دنبال آن است، تکمیل گردد، بازهم خبری از گذشته نیست؛ بلکه انسان مدرن فاتحانه و مغرورانه بدون نگاه به گذشته، صرفاً زمان خود را می‌بیند و به تماشای نوع کنش گذشتگان در زمان حال می‌نشیند.

زمان تقویمی نیز در این اثر جالب توجه است. قرن انتخابی صنعتی‌زاده برای رمانش، قرن بیست‌ودوم است؛ یعنی مبنای زمانی متن را زمان میلادی قرار داده؛ چراکه برای انسان ایرانی که چندان به صنعت و تکنولوژی دست نیافته و به‌عبارتی دیدگاه جهان‌سومی داشته، پیشرفت زمان میلادی به‌نوعی این‌همان با پیشرفت صنعت و تکنولوژی شده است؛ به‌گونه‌ای که تا قبل از سال ۲۰۰۰م، برخی از سؤال‌های عموم این بود که پیش‌بینی می‌کنند در سال ۲۰۰۰م چه اتفاق‌هایی در جهان رخ می‌دهد. به همین دلیل است که گرچه مکان وقوع وقایع و حتی شخصیت‌های احضارشده ایرانی هستند، زمان مطرح در داستان میلادی است: «به مهمانان خودتان امر دهید که بخوابند و به این هنگامه خاتمه دهید. ساعت ۲۱۵۳/۳/۱۲. رئیس دایرهٔ بهداشت» (صنعتی‌زاده کرمانی، ۱۳۹۶: ۵۴).

### ۳. نتیجه

از آنجا که در ایران ژانر علمی‌تخیلی بیشتر مختص حوزهٔ کودک و نوجوان دانسته شده و مخاطب بزرگ‌سال اقبال چندانی به آن ندارد، لازم است با پرداختن به این پرسش که اولین رمان علمی‌تخیلی ایران به حوزهٔ کودک و نوجوان نزدیک است یا بزرگ‌سال، به این نکتهٔ مهم برسیم که اتفاقاً شروع ژانر علمی‌تخیلی ایرانی مخاطب بزرگ‌سال را نشانه گرفته و برای او نوشته شده است.

این رمان در تخیل علمی خود دو شخصیت بزرگ‌سال را که یکی نمایندهٔ قدرت جسمانی فراوان و دیگری نمایندهٔ ثروت فراوان است، از دل تاریخ احضار می‌کند.

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

هدف راوی از این عمل رویارویی سنت و مدرنیته و برتری دادن مدرنیته بر سنت است. او می‌خواهد به اینجا برسد که تکنولوژی انسان مدرن را بر زور و قدرت انسان کهن برتری می‌دهد، ولی درنهایت انسان کهن با پس زدن تمام رفاه و آسایش حاصل از مدرنیسم و درخواست بازگشت به زمان خود، پایان اخلاقی داستان را رقم می‌زند. بنابراین در وجه اندیشگانی، دو موضوع قدرت جسمانی و ثروت که از دغدغه‌های انسان بزرگ‌سال بوده، نه در ساختاری متضاد و مقابل یکدیگر، بلکه در ساختاری موازی با هم قرار گرفته و هر دو نفی شده است تا قدرت ذهن انسان مدرن که منجر به شکل‌گیری تکنولوژی و صنعت شده، برجسته شود.

از سوی دیگر این رمان به‌دلیل پرداختن به مباحث فلسفی‌ای همچون جست‌وجوی خوشبختی در مدرنیته، اثبات توانایی و قدرت انسان مدرن و حتی زنده کردن مردگان به‌منظور قیاس بین سنت و مدرنیته که مختص انسان بزرگ‌سال است و ذهن او را به خود مشغول داشته، بیشتر در حوزهٔ ادبیات بزرگ‌سال طرح‌شدنی بوده است، نه کودک و نوجوان؛ زیرا حتی اگر نوجوان به موضوعی همچون زنده کردن مرده بیندیشد نیز، بیشتر وجه کنجکاوی و کشف فضاهای تازه است که برای او حائز اهمیت است، نه قیاس دو مسلک فکری و اندیشگانی بشر. به همین دلیل است که اگر این رمان مشخصاً برای مخاطب نوجوان نگاشته شده بود، سمت‌وسوی نووم متن بیشتر به «سفر در زمان» کشیده می‌شد تا به‌واسطهٔ آن، جهان گذشته و ازدست‌رفته را پیش چشم مخاطبِ کنجکاو خود تصویر کند؛ درصورتی که در این رمان اصلاً سفر در زمان در محوریت قصه نیست؛ بلکه صرفاً دو شخص از گذشته به زمان حال احضار می شوند تا رفتار آن ها در دنیای جدید بررسی شود. بنابراین بیشتر متمرکز بر رفتارشناسی است، نه جهان‌شناسی.

اما توجه به این موضوع ضروری است که نکات گفته‌شده برای مخاطب نوجوان قرن پیش مصداق بیشتری دارد و این رمان در زمان نگارش، مشخصاً برای مخاطب

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

بزرگ‌سال نوشته شده؛ ولی برای نوجوان قرن بیست ویکم که تمام زندگی‌اش با تکنولوژی عجین است، نووم های این متن چندان ایجاد بیگانگی و به‌تبع آن شناخت نمی کند. نوجوان امروز عملاً خود در حکم جانکاس است که به جهان مدرن برتری می‌دهد و حاضر به بازگشت به سنت‌ها نیست. نکتهٔ دیگر این است که نوجوان امروز حتی اگر مستقیماً به قیاس مدرنیته و سنت نیندیشد، این رمان برای او در حکم طرح مسئله‌ای است که ذهن پویا و جست‌وجوگر او را به مباحث فلسفی ای همچون میزان قدرت‌بخشی مدرنیسم به انسان می کشاند و پرسش‌هایی چالش‌برانگیز برای او ایجاد می کند. بنابراین می توان گفت این رمان در زمان نگارش، برای مخاطب بزرگ‌سال نوشته شده؛ ولی در عصر حاضر برای مخاطب نوجوان رمانی مناسب شمرده می‌شود.

دیگر سؤال مهم پژوهش این بوده آیا *رستم در قرن بیست‌ودوم* رمانی علمی‌تخیلی است که در اینجا به‌منزلهٔ نتیجهٔ دیگر بحث بدان پاسخ داده می‌شود.

مهم‌ترین ویژگی ممیزهٔ متن علمی‌تخیلی نووم است. این رمان نیز نووم درخور توجهی دارد که زنده کردن مردگان است. گرچه سعی بر این بوده که چگونگی زنده شدن مردگان در این متن با سازوکار علمی تبیین شود، این نووم منطق علمی ندارد و سازوکار آن بسیار ابتدایی است. اما از آنجا که بیگانگی ایجادشده در این رمان برمبنای این نووم است که چندان منحصر به علم نیست، بلکه به‌گونه‌ای آرزوی اوست که ریشهٔ آن را از معجزات پیامبران تا احضار ارواح به‌وسیلهٔ جادوگران می‌بینیم، برای مخاطب بازهم لذت تلاش برای شناخت حاصل از این بیگانگی را در خود دارد.

گفتنی است که گرچه زنده کردن مردگان در این رمان نووم مرکزی است، نمی توان آن را زیرمجموعهٔ سفر در زمان دانست؛ زیرا اصلاً زمانی غیر از زمان حالِ روایت گزارش نشده است. حتی مردگانی که از قرن ها قبل به زمان حال آورده شده‌اند، چندان از گذشتهٔ خود سخن نمی‌گویند که به‌واسطهٔ آن دنیای دیگری ترسیم شود و فرایند حرکت از آن زمان به این زمان شکل بگیرد؛ بلکه یکی‌شان (رستم) صرفاً مبهوت زمان

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

حال و درپی به‌کار بردن نیرنگی برای بازگشت به زمان گذشته است و دیگری (قارون) نه در گذشته است و نه در حال، بلکه صرفاً در وضعیت حفظ سرمایه است و متوجه هیچ زمانی نیست. بنابراین در این رمان چندان فضایی از گذشته ترسیم نمی‌شود؛ بلکه حضور یک پیش‌فرض کلان که بر کل رمان سایه افکنده و آن موجودیتِ تنها یک دوران و آن دوران مدرنیته است، اجازهٔ سفر در زمان را نه به شخصیت‌ها و نه به مخاطب نمی‌دهد. پس بیراه نیست اگر نووم اصلی متن را همان زنده کردن مرده بدانیم، نه سفر در زمان.

از سوی دیگر نووم‌های فرعی دیگری نیز در متن مشاهده می‌شود؛ مانند وسایل ارتباط‌جمعی هوشمند، پرواز انسان‌ها با بال، امضاهای الکترونیک و... که این نووم‌های فرعی بخشی از پیشگویی را که از مؤلفه‌های متن علمی‌تخیلی است، به متن تزریق می‌کنند؛ اما بیش از اینکه ایجاد بیگانگی و شناخت کنند، صرفاً آگاهانندگانی هستند که فضا و زمان را تبیین می‌کنند. از آنجا که خوانندهٔ کنونی این رمان انسان قرن بیست‌ویکم است، یعنی یک قرن بعد از نگارش اثر و یک قرن قبل از زمان روایت، این متن برای او بیگانگی ندارد؛ بلکه مشاهدهٔ تحقق امری است که ژانر علمی‌تخیلی آن را پیش‌بینی کرده بوده است. درواقع مشاهدهٔ محقق شدن پیش‌بینی پدیدهٔ بالفعل نامشهود در قرن بیستم، برای انسان قرن بیست‌ویکم درحکم آگاه‌سازی او از میزان توانایی‌های انسان و به‌تبع آن امیدبخشی به اوست؛ زیرا او به این می‌اندیشید که آنچه زمانی برای مردم کشورش آرزو بوده، برای او بخشی از زندگی روزمره است؛ بنابراین به تحقق آرزوهای خود نیز امیدوار می‌شود. پس این رمان برای او مصداق همان چیزی است که از آن به توانمندسازی ژانر علمی‌تخیلی یاد کردیم.

گفتنی است که نووم‌های فرعی متن بیشتر با مؤلفه‌های ژانر علمی‌تخیلی سازگاری دارد تا نووم مرکزی و اصلی روایت؛ چراکه نووم مرکزی در خدمت تبیین تقابل سنت و مدرنیته است؛ یعنی اگر مرده‌ای زنده شده و به زمان حال احضار گردید، صرفاً برای

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

پاسخ به این پرسش است که آیا انسان مدرن به خوشبختی حاصل از مدرنیته رسیده است یا نه. برای پاسخ به این پرسش، ایجاد وضعیت تقابلی بین سنت و مدرنیته ضروری به‌نظر می‌رسد. از همین رو رمان طی تخیلی سطحی، دست به اختراع ماشینی می‌زند که پاسخ سؤال خود را از انسان کهن بپرسد؛ بنابراین تخیل علمی این متن چندان در خدمت ایجاد شگفتی نیست؛ بلکه در خدمت پاسخ به پرسشی فلسفی است که ذهن بشر را به خود مشغول کرده است.

درمجموع نمی‌توان این رمان را در حیطهٔ علمی‌تخیلی ندانست؛ بلکه با توجه به وجود طیف و شدت و ضعف در سطح علمی آثار علمی‌تخیلی، حتی می‌توان گفت تخیل علمی این رمان که در خدمت تبیین اندیشه‌ای فلسفی است و حتی به حوزهٔ اخلاق نیز وارد می‌شود، از نقاط قوّت این متن است؛ هرچند در طیف علمی ضعیف‌تر واقع شده و از روش منطقی علم چندان بهره‌ای نبرده باشد.

**پی‌نوشت‌ها**

۱. novum: لغت لاتین برای «نو» یا «چیز نو»، جمع آن nova.

2. *De la terre à la lune*

۳. «و (ای رسول ما) تو را از حقیقت روح می‌پرسند جواب ده که روح به فرمان خداست و آنچه از علم به شما دادند بسیار اندک است.»

۴. به تعیین هویت و مکان‌یابی در زمان و فضا خدمت می‌کنند (ر.ک: بارت، ۱۳۸۷: ۴۷).

**منابع**

- آدامز، رابرت (۱۳۸۳). «تعریف ژانر علمی‌تخیلی». ترجمهٔ زهرا نوحی. *فارابی*. ش۵۳. صص۱۶۹ـ۱۹۲.

- بارت، رولان (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها*. ترجمهٔ محمد راغب. تهران: فرهنگ صبا.

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

- سطوتی‌قلعه، علی (۱۳۹۶). «پاورقی یا رمان: قانون، ترقی و ناسیونالیسم بازخوانی ‘رستم در قرن بیست‌ودوم’ در قرن بیست‌ویکم». *سینما و ادبیات*. س۱۴. ش۶۵. صص۲۱۸ـ۲۲۱.
- صنعتی‌زاده کرمانی، عبدالحسین (۱۳۹۶). *رستم در قرن بیست‌ودوم*. چ۲. تهران: نفیر.
- طاهباز، سیروس (۱۳۷۶). *مجموعهٔ کامل نامه‌های نیما یوشیج*. چ۳. تهران: نشر علم.
- فولادی‌تالاری، خیام (۱۳۷۷). *عناصر داستان‌های علمی‌تخیلی*. تهران: نشر نی.
- قصاع، محمد (۱۳۹۶). *پژوهشی در ادبیات و اندیشه علمی‌تخیلی*. ۲ج. ج۲. تهران: باژ.
- گنجوی، مهدی (۱۳۹۶). «میراث غایب: دربارهٔ عبدالحسین صنعتی‌زاده و شکل‌گیری ژانرهای ادبی». *سینما و ادبیات*. س۱۴. ش۶۵. صص۲۰۲ـ۲۰۳.
- مقیمی‌زاده، محمدمهدی (۱۳۹۸). «صنعتی‌زاده کرمانی در قرن بیست‌ویکم: نقد و بررسی رمان رستم در قرن بیست‌ودوم». *ادبیات و هنر*. س۲. ش۷ـ۸. صص۱۰۱ـ۱۰۸.
- میرصادقی، جمال (۱۳۹۲). *داستان‌های خیالی: علمی‌خیالی، خیال و وهم (فانتزی)*. تهران: سخن.
- ولف، فرد آلن (۱۳۹۸). *در جستجوی جهان‌های دیگر (جهان‌های موازی)*. ترجمهٔ محسن فرشاد. چ۲. تهران: نشر علم.

- Adams, R. (2004). "T'rife Ganre Elmi Takhayoli". Zahra Nouhi (Tr.). *Farabi*. No. 53. pp. 169-192. [in Persian]
- Barthes, R. (2008). *Daramadi Bar Tahlile Sakhtariye Ravayatha*. Mohammad Ragheb (Tr.). Tehran: Farhange Saba Publication. [in Persian]
- Satvati Ghal'e, A. (2017). "Pavaraghi Ya Roman: Ghanon, Taraghi Va Nasiyonalism Bazkhaniy Rostam Dar Gharne Biysto Dovom Dar Gharne Biysto yekom". *Sinema Va Adabiyat*. No. 65. pp. 218-221. [in Persian]
- San'ati Zade Kermani, A. (2017). *Rostam Dar Gharne Biysto Dovom*. Tehran: Nafir. [in Persian]
- Tahbaz, S. (1997). *Majmoe' Kamele Namehhay Nima Youshij*. Tehran: Elm. [in Persian]
- Fouladi Talari, KH. (1998). *Anasour Dastanhay Elmi Takhayoli*. Tehran: Ney. [in Persian]
- Ghasa', M. (2017). *Pajhoheshi Dar Adabiyat Va Andisheye Elmi Takhayoli*. Tehran: Bajh. [in Persian]

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]
[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

- Ganjavi, M. (2017). "Mirase Ghayeb: Darbarey A'bdolhossein Sana'ti Zade Kermani Va Sheklgiriy Ganrhaye Adabi". *Sinema Va Adabiyat*. No. 65. pp. 202-203. [in Persian]
- Moghimi Zade, M.M. (2019). "San'ati Zade Dar Gharene Biysto yekom: Naghdo Barrasiye Rostam Dar Gharne Biysto Dovom". *Adabiyat va Honar*. Vol. 2. No. 7-8. pp. 101-108. [in Persian]
- Mirsadeghi, J. (2013). *Dastanhay Khiyali: Elmi Khiali, Khiyal Va Vahm (Fantezi)*. Tehran: Sokhan. [in Persian]
- Wolf, F.A. (2019). *Dar Jostojoye Jahanhay Digar (Jahanhay Movazi).* Mohsen Farshad (Tr.). Tehran: Elm. [in Persian]
- *Oxford Advanced Learner's Dictionary* (2005) 7th Ed. Oxford University Press.
- Gilks, M., P. Fleming & M. Allen (2003). "Science Fiction: The Literature of Ideas". Writing World.com

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]

# *Rostam in the Twenty Second Century*: Genre Analysis

**Saeed Hesampour [1], Fahimeh Heidary Jamebozorgi [2 *]**

1. Professor, Department of Persian Language and Literature, Shiraz University.
2. Research Assistant, Shiraz University.

Received: 17/04/2020 Accepted: 24/11/2020

## Abstract

"Rostam in the Twenty-second Century", written by Sanatizadeh Kermani, is the first science fiction novel in Iran. Noteworthy, science fiction is widely known as a genre in children's literature in Iran. The current paper attempted to examine various aspects of this novel, regarding its genre and also identify its readers. For this purpose, the main components of the genre, namely science, imagination, materialism, novum, prediction and nostalgia along with three components identified by the researchers, which are taboo-breaking, hopefulness and empowerment, were employed to analyze the novel. The results showed that the novel seeks to address issues such as the pursuit of happiness in modernity, the power of modern man, and even resurrection of the dead, with the aim of comparing tradition and modernity, and it generally targets adults as its readers. Therefore, it could be said that the novel was written for adults, but since the youngsters are very well acquainted with technology these days, it can also be suitable for adolescents as well. Moreover, by focusing on the scientific and imaginative aspect of the novel, it became apparent that although this novel does not employ a specific scientific justification for the probability of the events, it has applied imagination to an area which is beyond human power. In conclusion, the novel can be considered as a science fiction story as it creates a novum that led readers to alienation.

**Keywords**: Novum, alienation and recognition, science fiction, Rostam in the Twenty Second Century.

* Corresponding Author's E-mail: fahimeheidary@yahoo.com

[ Downloaded from lcq.modares.ac.ir on 2024-04-28 ]

[ DOR: 20.1001.1.20080360.1399.13.52.4.6 ]